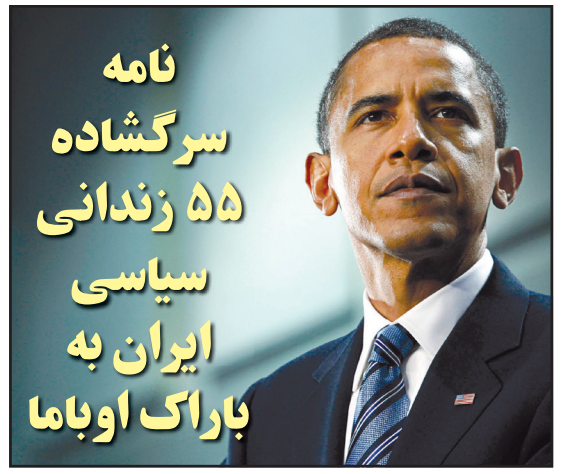




**شاگردان دایی برابر مسی
کرمان پیروز شدند**

ایرانیان

نشریه سراسری ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا
سال هفدهم، شماره ۶۴۵، جمعه ۱۸ مرداد ۱۳۹۲
IRANIANS, Vol. 17, Number 645, Friday, August 9, 2013



**نامه
سرگشاده
۵۵ زندانی
سیاسی
ایران به
باراک اوباما**

۷ باور
غلط
درباره
سیگار



صفحه ۳۸

مشمولان مقیم
خارج می‌توانند
سالی دوبار به
ایران سفر کنند

صفحه ۹



رویکرد اعتدال
رئیس جمهور در
آزمون نظر و عمل
مقاله محسن حیدریان

صفحه ۲۰



از سلطنت
رضاشاه تا رئیس
جمهوری روحانی
مقاله علی اصغر رمضان‌پور

صفحه ۱۳



با برگزاری نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران در واشنگتن و انتخاب اعضای یک شورای عالی

«جنبش سکولار دموکراسی ایران»

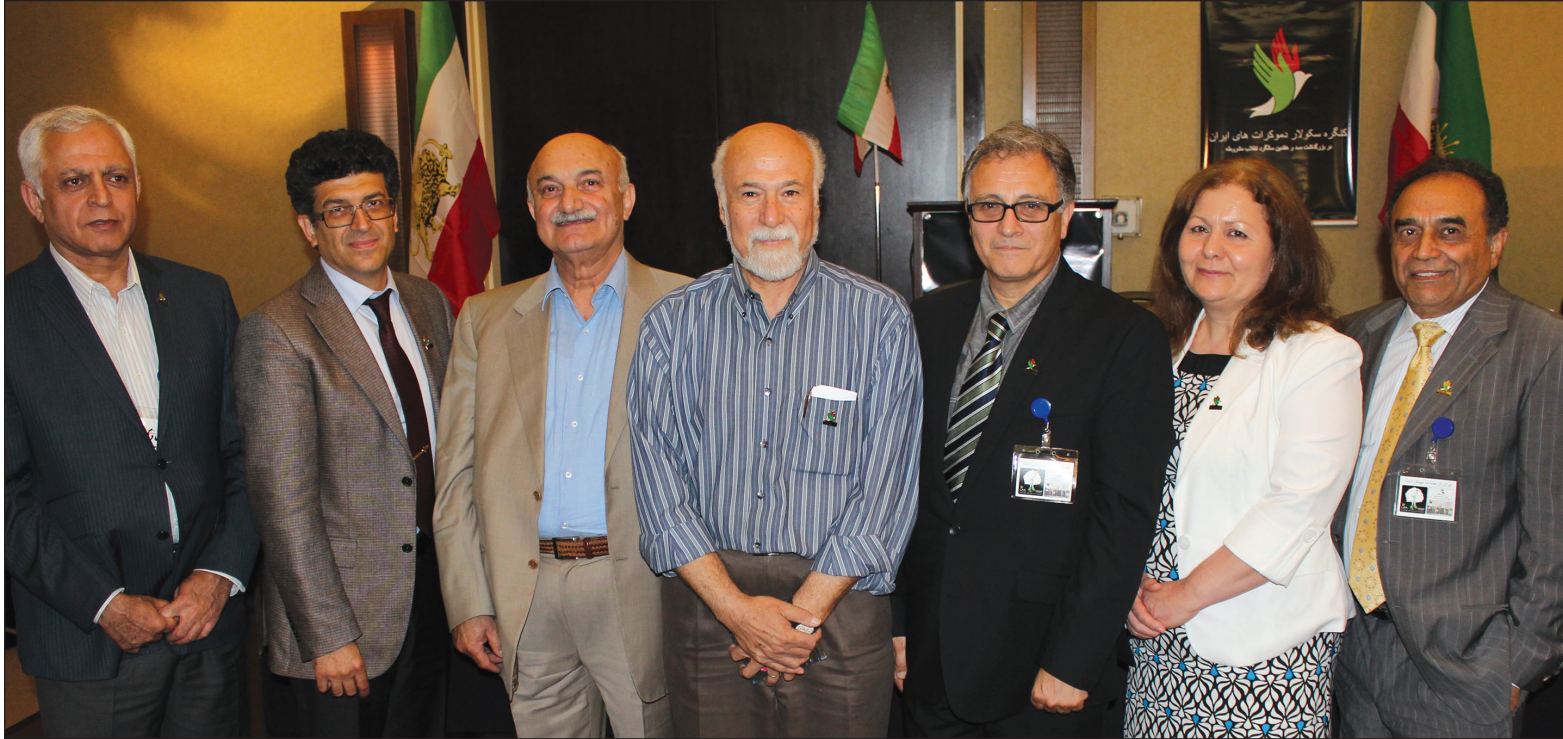
تاسیس و آغاز به کار کرد



گزارش کامل برگزاری «نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران» در واشنگتن

با انتخاب هفت نفر برای عضویت در «شورای عالی» آن

((جنبش سکولار دموکراسی ایران)) تاسیسی و آغاز به کار کرد



اعضای منتخب شورای عالی «جنبش سکولار دموکراسی ایران» به ترتیب از راست: دکتر تقی آرزضا، نسترن علیی، مهندس مهدی حانق اعظم، دکتر اسماعیل نوری‌علا، دکتر حسن ماسالی، محسن ذاکری و حسن اعتمادی

با برگزاری انتخاباتی در آخرین نشست «نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران»، هفت تن از امضا کنندگان «پیمان‌نامه عصر نو» که مبنای همکاری موسسان و پایه‌گذاران کنگره است، بعنوان اعضای «شورای عالی جنبش سکولار دموکراسی ایران» انتخاب شده و مأموریت انجام وظایفی را که برای یک سال، و تا برگزاری دومین کنگره سکولار دموکرات‌ها، بر عهده آنان گذارده شد پذیرفتند.

جمع شرکت کننده در کنگره همچنین به تشکیل نهادی با عنوان «جنبش سکولار دموکراسی ایران» رای موافق داد و برنامه‌های سیاسی و طرح اداری و تشکیلاتی آن را مورد تایید قرار داد.

«نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران» کار رسمی خود را از ساعت ۹ بامداد روز شنبه گذشته، ۱۲ مرداد مطابق با سوم ماه آگوست میلادی، آغاز و تا غروب روز یکشنبه، ۱۳ مرداد مطابق با چهارم ماه آگوست میلادی، ادامه داد. ظرف دو روز برگزاری کنگره، علاوه بر خوشآمدگویی‌ها، ادای توضیحاتی در خصوص چرایی و چگونگی شکل گرفتن کنگره، و ایراد سخنان افتتاحیه توسط دکتر اسماعیل خوبی، رئیس کنگره، چهار نشست مختلف بر پا شد که مجموعاً دوازده تن در آن‌ها سخن گفتند. قرائت پیام‌های برخی از شخصیت‌های سیاسی، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی، نمایش ویدئویی درباره زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه، تشکیل یک گروه‌های فرهنگی و هنری در غروب روز شنبه، و برگزاری یک نظرخواهی در خصوص تاسیس نهادی سیاسی از درون کنگره و انجام انتخاباتی به منظور تعیین اعضای شورای عالی نهاد مذکور، از دیگر بخش‌های برنامه از پیش تنظیم شده کنگره بود.

برنامه‌های هر دو روز کنگره در یکی از سالن‌های اجتماعات هتل «وستین» در فالس چرچ، ویرجینیا، برگزار شد. علاوه بر جمعی از امضاء کنندگان «پیمان‌نامه عصر نو» و موسسان

تبدیل «سکولار دموکراسی» به مهمترین گفتمان سیاسی اپوزیسیون انحلال طلب تعریف می‌کنند و تصمیم‌گیری برای انتخاب یکی از دو گزینه مذکور به جلسه بعد موکول می‌شود. در عین حال تصمیم گرفته می‌شود که در جلسه بعد هر یک از افراد یک تن دیگر را نیز برای مشارکت در این خصوص به جلسه مشورتی دعوت کند.

دومین جلسه گروه مذکور روز بیستم فروردین و با شرکت ده نفر تشکیل می‌شود. در این جلسه با اکثریت آراء در مورد انتخاب تشکیل کنگره تصمیم‌گیری شده و قرار می‌شود متنی تهیه شود

دوازدهم فروردین امسال، متشکل از پنج تن که قصد تلاش برای دست زدن به اقدامی از جانب طرفداران سکولار دموکرات‌های ایران در روزهای پس از انجام انتخابات ریاست جمهوری اخیر داشته‌اند تشکیل شده و دو پیشنهاد از جانب شرکت کنندگان مطرح می‌شود: ایجاد یک اندیشکده (اتاق فکر) برای انجام مطالعات مربوط به آینده سکولار دموکراسی در ایران، و یا اقدام به برگزاری کنگره‌ای با دعوت از هرکس که خود را سکولار دموکرات می‌داند. پیشنهاد دهندگان طرح دوم هدف از این کار را دامن زدن به بحث در خصوص

و سالنی که جلسات کنگره در آن برگزار شد، در اختیار گذاردن نشان‌های روی سینه حاوی آرم کنگره و بیج‌های سینه حاوی نام هر یک از شرکت کنندگان در آن، و نیز پذیرایی از حاضران با شام و ناهار ایرانی و چای و قهوه و شیرینی در هر دو روز، نشان از برنامه‌ریزی دقیق و انجام تدارکات سنجیده و گسترده از سوی برگزارکنندگان کنگره داشت.

فکر تشکیل کنگره

آطور که در سایت اینترنتی کنگره توضیح داده شده، نخستین جلسه موسسان اولیه کنگره در روز

کنگره که از شهرهای مختلف اروپا، کانادا و آمریکا برای شرکت در آن حضور یافته و اکثراً در هتل مذکور اقامت گزیده بودند، جمعی از فعالان سیاسی منطقه و افراد محلی علاقه‌مند به امور سیاسی و سرنوشت کشورشان در هر دو روز برگزاری کنگره حضور یافته و شرکت داشتند. نشست‌های کنگره در مجموع با نظم و ترتیبی چشم‌گیر و با مشارکت فعال حاضران در آن‌ها برگزار شد. نصب تابلوهای متعدد حاوی شعارهای کنگره و مجموعه تصاویری از شخصیت‌های سکولار تاریخ معاصر ایران در محل ورودی هتل، راهروها

متن کامل برخی از پیام‌هایی که برای

((نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران)) فرستاده شده بود

گروه‌های مبارز، کارگران، صنوف گوناگون و توده‌های مردم، برای آزادی، استقلال و جمهوری‌خواهی کلید خورد اما، متأسفانه، در میانه راه توسط نیروهای مذهبی و روحانیون که از تشکل و امکانات بیشتری برخوردار بوده و مورد حمایت دول غرب نیز قرار داشتند تا در برابر کمونیزم ایستادگی نمایند، به بی‌راهه کشانده شد و حاصل آن، رژیم مذهبی - سکتاریستی سرکوبگری است که در تاریخ ایران به عنوان برگ سیاهی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در واقع اگر در انقلاب مدرن مشروطه، مقید کردن قدرت مطلقه در چهارچوب قانون اساسی خواست آزادی‌خواهان بود، اما، با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، این بار قدرت مطلقه فقیه، در حرکتی متضاد با انقلاب مشروطه به شکل قانونی در آمد.

۴ - اینک از انقلاب مشروطه ۱۰۷ سال، از جنبش ملی نفت ۶۰ سال، و از انقلاب بهمن ۵۷ نزدیک به ۳۵ سال گذشته است، اما، با وجود مبارزات تاریخی ملت ایران برای آزادی و قانون‌گرایی، به ویژه در ۳۵ سال گذشته که از آن باید بعنوان خونبارترین بخش از تاریخ ایران نام برده شود، نتیجه کار به لحاظ عینی در یک حکومت مطلقه سکتاریستی - مذهبی ارتجاعی به شدت خشن و سرکوبگر تجسد یافته است که تبعیض‌گرایی‌های مذهبی، جنسیتی، ملیتی و آپارتاید سیاسی وجه بارز این حکومت است.

۵ - آن‌گاه که در سال ۱۳۷۸ به عنوان اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، که هنوز یک تشکل خودی و هوادار جمهوری اسلامی شناخته می‌شد، بیانیه سیاسی موسوم به «ساختار سیاسی آینده ایران» را، به مثابه مانیفست سیاسی خود، انتشار دادیم و خواهان جمهوری آزاد و دموکراتیک و سکولاریزم شدیم، و به شدت مورد سرکوب قرار گرفتیم، خود به آثار کار خویش واقف نبودیم. آن‌گاه که به دنبال جنبش ۱۸ تیر، در همان سال، همگی به شکنجه‌گاه توحید افتادیم، دریافتیم که حکومت تا چه اندازه از سکولاریزم در وحشت است و به ویژه از این بیم دارد که پرچم سکولاریزم در درون مرز، توسط نیروهایی از درون خانواده مذهبیون به اهتزاز در آید و تابویی را بشکند و خطر را مضاعف نماید.

خانم‌ها و آقایان محترم،

۶ - در ۱۴ سال گذشته، به دلیل همین تئوری، یعنی دموکراسی سکولار به مثابه حکومت جایگزین نظام سکتاریستی - مذهبی حاکم، هزینه‌های سنگینی پرداخته و در آینده نیز خواهیم پرداخت اما تردید نداریم که جمهوری اسلامی در درون خود آنتی‌تری را پرورش داده که دیر یا زود جایگزین آن خواهد شد. رژیم، دشمن شماره یک خود را دموکراسی سکولار به مثابه نیروی ال‌ترناتیو و نه نیروی مدافع همزیستی مسالمت‌آمیز

اما هیئات که زنده کردن این سرزمین سوخته، غارت بیت‌المال و ساقط کردن صاحبان اصلی این ذخائر طبیعی، از ثروت‌های آبا و اجدادی، مصلحانی می‌خواهد صدیق و پشت پازده به منافع شخصی و علائق نفسانی. در خاتمه از پرودگار مهربان که بنده نواز و انسان دوست است تقاضای پیشبرد اهدافتان را دارم.

سید حسین کاظمینی بروجردی
زندانی اوین، مرداد ۱۳۹۲

پیام حشمت‌الله طبرزدی از تهران

لازم است در همین گام نخست همه سکولار دموکراسی خواهان با هم متحد شوند

خانم‌ها و آقایان محترم،
با درود و شادباش به خاطر برگزاری اولین کنگره سکولار دموکراسی خواهان ایران.

۱ - هر ساله چهاردهم مرداد سالگرد انقلابی است که «مشروطه» خوانده شده؛ چرا که از اهداف اصلی آن انقلاب، مشروط کردن قدرت مطلقه پادشاهی به قانون و دخالت دادن مردم در سرنوشت خود بوده است. تشکیل پارلمان، بوجود آوردن عدالتخانه، و تاکید بر آزادی احزاب و مطبوعات از اهداف و نیز دستاوردهای این انقلاب دموکراتیک بود که با تشکیل و تقویت چنین نهادهایی، سعی در مشارکت دادن توده‌های مردم در سرنوشت خود داشت و به همین دلیل انقلاب مشروطه اولین گام در مدرنیزاسیون ایران و تشکیل جامعه مدنی نام گرفته است.

۲ - انقلاب دومی که با ملی کردن نفت توسط دولت دکتر محمد مصدق به وجود آمد تلاش کرد با حاکمیت قانون و محدود کردن قدرت پادشاهی در این چهارچوب و تاکید بر قانون‌گرایی، بار دیگر به قانون اساسی دوره مشروطه برگردد و در عین حال بر استقلال سیاسی کشور نیز تاکید نماید.

۳ - انقلاب بعدی، اما، انقلاب بهمن ۵۷ بود که ابتدا توسط جنبش دانشجویی، احزاب ملی، نیروهای سیاسی چپ، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، حقوقدانان آزادیخواه،

پیام آیت‌الله سید حسین کاظمینی بروجردی از زندان اوین

از همه امکانات موجود برای امحاء رژیم فاشیستی خودکامه بهره بگیرید

به محضر معارضین با غیرت که هویت ایرانی انرژی بخش حیات مقدس‌شان است.

دروود این اسیر استبداد اسلامی بر شما که پژواک فریادهای عدالتخواهانه این زندانی سیاسی - اعتقادی هفت ساله می‌باشید.

رای همه فرزندان ایران به یغما رفته.

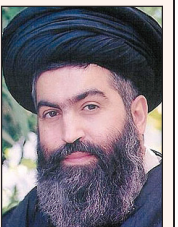
طلب پیروزی دارم به راستی در حکومتی که در راس آن دیکتاتور مادام‌العمر قرار دارد که به نام آفریدگار جهان، جنایت می‌کند و به رنگ و لعاب معنویت تیشه به ریشه شریعت می‌زند.

دموکراسی و رفاندوم و جمهوریت، معنی و مفهومی دارد.

شما جمع شده‌اید تا به داد ملتی برسید که سی و چهار سال قبل همه چیز خود را واگذار نمود.

ای دلسوزان وطن مظلوم، به پا خیزید و از همه امکانات موجود برای امحاء رژیم فاشیستی خودکامه بهره بگیرید.

وجه امتیاز حاکمه مستبد، اختلاف مخالفین است. آنچه که بقاء و دوام ولایت مطلقه فقیه را تضمین می‌کند، دو دستگی و به هم ریختگی منکرین و مجاربین حاکمان خونخوار و درنده موجود در این مملکت است. خوشبختانه در چنان باتلاقی، سردمداران مکار و کذاب جمهوری اسلامی گیر کرده‌اند که هنوز بعد از این همه سال مجبورند تا وعده‌های بنیانگذار انقلاب‌شان را پنهان کنند و به روی خود نیاورند که با کمال مستی و پستی، مدینه فاضله‌اش را اعلام کرد و بهشت موعود را بشارت داد که رعیت مفلوک، در چنان جهنمی به سر می‌برد که هرگز در تاریخ مللی یافت نشده و در هیچ تقویمی ثبت نگردیده است. مایه مسرت و شادمانی است که امروز دیگر خطای گردانندگان دروغگو و چپاولگر رنگ نداشته و دنیا به ماهیت کثیفشان بی برده است و خلق مصیبت زده ایران در استحاله فکری و فطری قرار گرفته و از باورداشته‌های گذشته‌اش پشیمان گشته،



شکوه میرزادگی، نویسنده و پژوهشگر «میراث فرهنگی ایران»، گفتار خود را به تشریح چگونگی و میزان اعمال «تبعیض در میراث فرهنگی ایرانیان» اختصاص داد، فریاد نیکبخت درباره «توقع اقلیت‌های مذهبی از اپوزیسیون سکولار دموکرات» سخن گفت، دکتر رضا حسین به تشریح و موشکافی در «تبعیض حکومت مذهبی علیه اقلیت‌های قومی» پرداخت، پرتو نوری علا، شاعر، از «تبعیض حکومت مذهبی علیه زنان» سخن گفت و دکتر اکبر کرمی «جنبه‌های سکولار دموکرات جنبش سبز» را مورد دقت و بازبینی قرار داد. (متن کامل این سخنرانی در همین صفحات آمده است).

نکته قابل ذکر درباره پانل مذکور این که گفتار دکتر اکبر کرمی در آن نیز، مانند گفتار مهدی خلجی در پانل قبلی، و شاید بصورتی گسترده‌تر، مورد اعتراض شماری از حاضران در نشست قرار گرفت و باز عده‌ای بعنوان اعتراض جلسه را ترک گفته و در راهرو مقابل آن اجتماع کرده و به بحث و گفت و گو در مخالفت با سخنران و بیانات او که بعقیده آن‌ها چیزی جز «حمایت و جانبداری از اصلاح‌طلبان» نبود، پرداختند. برخی حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و دکتر کرمی را «عامل نفوذی» اصلاح‌طلبان در کنگره خوانده و به شدت از حضور وی در کنگره و فراهم آوردن امکان سخنرانی برای او انتقاد کردند.

دکتر کرمی، اما، برخلاف مهدی خلجی و علی‌رغم شنیدن همه اعتراض‌ها و انتقادات، جلسه را ترک نکرد و با شرکت در بخش پرسش و پاسخ، ضمن پافشاری بر نظرات و عقاید خود، کوشید به پرسش‌هایی که در خصوص گفتار او مطرح می‌شد پاسخ دهد.

گردهمایی فرهنگی - هنری شبانه

غروب روز شنبه، پس از صرف شام، جمعی از حاضران در کنگره که خود را برای شرکت در گردهمایی فرهنگی - هنری از پیش اعلام شده کنگره آماده کرده بودند، در یکی دیگر از سالن‌های اجتماعات هتل حاضر شده و «شب شعر و موسیقی» که توسط برگزارکنندگان کنگره پیش‌بینی شده بود شرکت کردند.

گرداننده این مراسم بی‌تکلف و خودمانی دکتر اسماعیل نوری علا بود که اکنون در کسوت شاعر در مجلس حضور یافته و از شاعران و هنرمندان برای شعرخوانی و اجرای برنامه هنری دعوت به عمل می‌آورد.

وی در ابتدای این گردهمایی از شاعران محلی مقیم واشنگتن دعوت کرد تا هر یک قطعه یا قطعاتی از شعرهای خود را قرائت کنند. محمد اعظمی و رضا ذاتی دو تنی بودند که به این دعوت پاسخ گفته و با قرار گرفتن در مقابل میکروفون برخی از سوره‌های خود را خوانده و مورد تشویق قرار گرفتند.

آنگاه دکتر نوری علا از نادر مجد، موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده سرشناس دعوت کرد که روی صحنه رفته و یک قطعه موسیقی ایرانی اجرا کند. نادر مجد نیز در میان استقبال فوق‌العاده حاضران روی صحنه قرار گرفت و به نواختن یک قطعه موسیقی با تار پرداخته و با تحسین و تشویق حاضران روبرو شد.

شکوه میرزادگی، پرتو نوری علا، صمصام کشفی، اسماعیل نوری علا و اسماعیل خوبی از جمله شاعران سرشناسی بودند که در این گردهمایی فرهنگی - هنری هر یک به نوبه خود



نشست اول کنگره: «آشنایی با مشروطه» - از راست: مهدی مخفمی (رئیس و گرداننده نشست)، مهدی خلجی، بهمن امیرحسینی، و دکتر اسماعیل نوری علا سخنرانان نشست



نشست دوم کنگره: «بررسی تبعیضات ناشی از حکومت اسلامی» - از راست: دکتر هرمز حکمت (رئیس و گرداننده نشست)، شکوه میرزادگی، دکتر اکبر کرمی، پرتو نوری علا، و دکتر رضا حسین بر سخنرانان نشست

بقیه از صفحه قبل

کنگره را ترک گفت.

با این همه، بخش پرسش و پاسخ نشست مذکور با مشارکت برخی از حاضران در مجلس برگزار شد و سخنرانان به پرسش‌هایی که از جانب شنوندگان گفتارشان مطرح شد پاسخ دادند.

نشست «بررسی تبعیضات ناشی از حکومت اسلامی»

پس از تنفس نسبتاً بلندی که برای صرف ناهار داده شد، دومین پانل یا نشست کنگره در ساعت یک و نیم بعد از ظهر و تحت عنوان «بررسی تبعیضات ناشی از حکومت اسلامی» تشکیل شد. رییس و گرداننده این نشست دکتر هرمز حکمت و سخنرانان شرکت کننده در آن شکوه میرزادگی، فریاد نیکبخت، دکتر رضا حسین‌بر، پرتو نوری علا، و دکتر اکبر کرمی بودند. طبق برنامه از پیش تنظیم شده قرار بود فریاد نیکبخت نیز در این پانل حضور داشته باشد که به دلیل مشکلات شخصی موفق به سفر به واشنگتن نشده و در عوض گفتار خود را بصورت ویدئویی به نشست عرضه کرده بود.

آرمان‌های ما و آرمان‌های روشنفکران ایرانی قرن نوزدهم...

متن گفتار در کنگره سکولار دموکرات‌های ایران



بهمن امیرحسینی

ما مردم ایران در پوشاک و در خوراک، در روابط اجتماعی بین طبقات و دیدمان به دولت، در روابط خانوادگی و سنت‌هایمان، و حتی در نحوه نگارش و صحبت‌مان به زبان فارسی، با قرن نوزدهم ایران تفاوت‌های بسیار داریم.

اما چگونه است که هنوز آرمان‌های روشنفکران آن روزگار آرمان ما و توده‌های بزرگ مردم ایران نیز هست؟ و دیگر این که این آرمان‌ها چه بودند و توسط چه کسانی بیان شدند؟

حکومت قانون، آزادی، مساوات، تجدد، جدایی دین از حکومت، دستیابی به حقوق بشر نمونه‌های بارز این آرمان‌ها هستند.

این که چرا پس از ۱۵۰ سال به این آرزوها نرسیده‌ایم بحثی تاریخی و خارج از موضوع صحبت امروز است.

بحث ما تاثیر روشنفکران در آماده‌سازی ذهنی مردم برای تغییر و تحول است که سرانجام به صورت جنبش مشروطیت صورت تحقق گرفت. انقلابی که مهمترین تحول و جنبش پیشرو سیاسی در ایران است و رسیدن به اهدافش همچنان نقشه راه جامعه ایرانی است.

جامعه ایرانی از زبان و قلم روشنفکران آن دوره با لزوم داشتن قانون، آزادی، مساوات، جدایی دین از دولت، حتی رفع حجاب و لغو چند همسری آشنا شد.

روشنفکران به دلایلی، از جمله دوری از ایران، طبعاً بر توده‌های عامه و بی‌سواد مردم نفوذی نداشتند اما عقایدشان به تدریج بین بخش‌هایی از بازرگانان، اصناف و طبقه متوسط آن زمان منتشر شد و تاثیر گذاشت. سفرهای بازرگانان و شاهزادگان و بلندپایگانی که به عنوان نماینده دولت به اروپا می‌رفتند به همراه بخشی از طبقه متوسط، بازگشت گروه‌های دانشجویی که از زمان عباس میرزا و دوره امیرکبیر به اروپا فرستاده شده بودند، افزایش شمار فارغ‌التحصیلان دارالفنون، انتشار روزنامه و کتاب در خارج و انتقال آن به ایران و نیز در خود ایران، زمینه لازم را برای تغییرات اجتماعی فراهم کرد.

بازار و اصناف و طبقه متمکن در واقع بازوی عمل جنبشی بودند که مغز آن روشنفکران بودند و به یاری و همراهی بخشی از روحانیت سراسر ایران را فرا گرفت. ضمن آن که در هر حال در میان روحانیت هم کسانی مانند اسدآبادی و بعد نائینی بودند که در پی یافت راه حلی برای مشکلات آن روز ایران بودند.

در واقع آرمان‌های روشنفکران توانست روحانیت را مجاب کند و سپس از طریق کانال روحانیت در میان توده مردم اقبال عمومی یافت. در اسناد دوره مشروطه خوانده‌ایم که آخوندی در تبریز بر منبر در تعریف مشروطه می‌گفته است مشروطه یعنی هر روز کباب می‌خورید به این پهنا و پنجه دستش را باز می‌کرده است! و این برای عامه‌ای که از «کنسیتیتسیون» و «پارلامنت» تصور نداشت مفهوم‌تر و آشنا تر بود.

این که نیروهای اجتماعی شرکت کننده در انقلاب مشروطه تا چه

حد آگاه بودند و رهبری آن را روحانیت به دست گرفتند، در این واقعیت که اندیشه مساوات و قانونگذاری توسط نمایندگان مردم و تفکیک قوا از روشنفکران ایرانی بود، خدش‌های وارد نمی‌کند.

برای بیان تاثیر روشنفکران آن دوره بر روحانیت این نقل قول از آیت‌الله سید محمد طباطبایی کافی است که در مجلس گفت «ما ممالک مشروطه را که خودمان ندیده بودیم، ولی آنچه شنیده بودیم و آن‌هایی که ممالک مشروطه را دیده بودند به ما گفتند مشروطیت موجب امنیت و آبادی مملکت است. ما هم شوق و عشقی حاصل نموده تا ترتیب مشروطیت را در این مملکت برقرار نمودیم.»

هر چند در این گفته طباطبایی نشانی از مساوات و آزادی نیست بلکه صحبت از امنیت و آبادی است؛ مفهومی که روحانیت مایل بود از مشروطه داشته باشد. اما در هر حال آن‌هایی که ممالک مشروطه را دیده بودند و

شرح آن را به روحانیت دادند مگر کسانی جز روشنفکران بودند؟ بعد از امیرکبیر که بی‌تردید دولتمردی روشنفکر بود و به گفته خودش «خیال کنسیتیتسیون» داشت، باید از آخوندزاده، طالبوف، میرزا ملکم خان و مستشارالدوله به عنوان شاخص‌ترین روشنفکران پیش از مشروطه یاد کرد.

این افراد که هر کدام سالیان طولانی در غرب زندگی کردند بطور عمده تحت تاثیر پیشرفت‌های اجتماعی اروپا، شامل روسیه، بودند. اکثرشان از مذهب کتاره گرفته و به مشروطه‌خواهی، ناسیونالیسم و سکولاریسم رسیده بودند.

دستآورد بزرگ جنبش مشروطه تدوین قانون اساسی، تفکیک قوا، تشکیل مجلس و محدودیت قدرت پادشاه است. و این نکات و عناصری است که در نوشته‌های این روشنفکران به وضوح دیده می‌شود.

آنچه روشنفکران در طی دهه‌های قبل از جنبش مشروطه می‌خواستند و بیان می‌کردند بسیار جلوتر از محتویات قانون اساسی مشروطه بود. بهترین نمونه آن را میرزا ملکم خان در کتاب «تنظیمات» بیان کرده است. این مجموعه قانون که به آن اشاره خواهیم کرد بسی امروزی‌تر از قانون اساسی ۱۹۰۶ ایران است.

حتی پیش از ملکم پدرش که مترجم سفارت روس بود و سالیانی را در سفارت ایران در سن پترزبورگ کار کرده بود نیز در فکر لزوم برقراری حکومت مشروطه در ایران بود. او در نامه‌ای به ناصرالدین شاه می‌نویسد: «اسباب ناگزیری مملکتداری... استقرار کنسلیطوسیون است؛ بدون چنین اسباب و افزار شایسته، جمیع اهتمام و مساعی جمیله دولت و ملت هدر خواهد رفت.» و این خود نشانه‌ای از قدمت اندیشه تغییر و تحول در میان آگاهان و با سوادان جامعه آن روز ایرانی است.

در میان روشنفکران سده نوزدهم ایران ملکم خان جایگاه ویژه و والاتری دارد. و این بر روشنفکران زمان او هم روشن بود تا جایی که آخوندزاده و مستشارالدوله او را «روح‌القدس» می‌خواندند.

من ترجیح می‌دهم به جای گذر لیست‌وار به نظریات چند روشنفکر کم و بیش شناخته شده عصر ناصری در زمان اندکی که در اختیارم هست کمی بیشتر درباره ملکم خان صحبت کنم.

بقیه در صفحه ۳۴



نادر مجد در حال اجرای یک قطعه موسیقی در گردهمایی فرهنگی - هنری کنگره در شامگاه شنبه گذشته



نشست سوم کنگره: «پاسخگویی نمایندگان نهادهای سیاسی» - از راست: حسن اعتمادی (رئیس و گرداننده نشست)، پرویز ضرغامی (از اتحاد عشایر و اقوام جنوب)، کاوه آهنگری (از حزب دموکرات کردستان)، جلیل آذایخواه (از حزب کومله زحمتکش)، بهرام آبار (از سازمان سکولار دموکرات‌های ایران)، نسترن علیی (از شبکه سکولارهای سبز)، کوروش اعتمادی (از گروه رایزنی برای اتحاد) و حسن ماسالی (از گروه امید ایران)



نشست چهارم کنگره: «تاسیس نهاد تازه، تعیین نام و تکلیف آینده آن» - از راست: دکتر اسماعیل نوری‌علا، مهندس مهدی حاذق اعظم، محسن ذاکری، مهدی مفخمی، دکتر تقی آل‌رضا، حسن اعتمادی و کوروش اعتمادی

قطعاتی از شعرهای خود را قرائت کرده و مورد تشویق حاضران قرار گرفتند.
در این گردهمایی، همچنین، پیام ویدئویی هادی خرسندی، طنزنویس سرشناس، به گردانندگان کنگره پخش شد و دکتر حسین برنیز به نقل برخی از خاطرات شیرین خود و لطیفه‌های دلنشین پرداخت و لحظات شادی برای حاضران بوجود آورد.

پاسخگویی نمایندگان برخی از نهادهای سیاسی

سومین پانل یا نشست کنگره در بامداد دومین روز برگزاری آن به پاسخگویی نمایندگان برخی از نهادهای سیاسی ایرانی به پرسش‌های رسیده به کنگره و پرسش‌های حاضران در آن اختصاص داشت.

رئیس و گرداننده این نشست حسن اعتمادی و شرکت‌کنندگان در آن نسترن علیی از «شبکه سکولارهای سبز»، کاوه آهنگری از «حزب دموکرات کردستان»، جلیل آذایخواه از حزب کومله زحمتکش کردستان، حسن ماسالی از «گروه امید ایران»، کوروش اعتمادی از «گروه رایزنی برای اتحاد»، دکتر بهرام آبار از سازمان سکولار دموکرات‌های ایران و پرویز ضرغامی از «اتحاد عشایر و اقوام جنوب» بودند.

در ابتدای این نشست هر یک از شرکت‌کنندگان در آن بطور اختصار به معرفی خود و سازمانی که در آن فعالیت دارند پرداختند و آنگاه در فرصت بیشتری که به آنان داده شده هدف‌های سازمان خود و فعالیت‌های آن را تشریح کرده و به پرسش‌هایی که از سوی حاضران در مجلس مطرح می‌شد پاسخ گفتند.

نقطه نظرهای انتقادی و گاه تند نمایندگان «حزب دموکرات کردستان» و «حزب کومله» که شامل بحث حساس «فدرالیسم» در مقابل «حکومت نامتمرکز» بود، یکی از نکاتی بود که مباحث چند سوبه و پرتنشی را در میان حاضران در مجلس موجب شد ولی با تعامل و حسن نیت همه‌جانبه به خوبی و خوشی خاتمه یافت و منجر **بقیه در صفحه ۳۵**

جنبش سبز و گفتمان سکولار دموکراسی

زندانی دیگر خواهد بود و نمی‌تواند مردم را از نکبت شهرداری به عاقبت شهروندی درآورد.

در نتیجه، سکولار دموکراسی که من می‌شناسم هر چه هست، بنیادگرا نیست و به هیچ‌ستان نمی‌رسد؛ اهل گفت و گوست؛ «حق داشتن» هسته سخت آن است و به هیچ بهانه و بهایی از آن نمی‌گذرد و خوب می‌داند که وقتی از «حق داشتن» به بهانه «حق بودن» می‌گذریم گفت و گو همیشه در جایی تعطیل می‌شود و وقتی گفت و گو تعطیل می‌شود همه چیزهای خوب هم تعطیل می‌شود.

برای سکولار دموکراسی هم بنیادگرهای دینی خطرناک‌اند و هم بنیادگرهای سیاسی، چه این هر دو با گفت و گو مخالف‌اند و در جایی با برهان قاطع زور به گفت و گو پایان می‌دهند. مهم نیست که بنیادگراها چه می‌گویند و چگونه استدلال می‌کنند! آن‌ها در جایی و در استدلالی در نهایت آدمیان و حتی سکولار دموکراسی را پاره پاره می‌کنند؛ سیاست‌ورزی را تعطیل می‌کنند و در توزیع آزادی و توضیح آن کم می‌آورند. چه، هسته سخت بنیادگرایی در تبعیض نهفته است و برآمد و بار و بنه آن هم چیزی فراتر از نابرابری نیست.

در نتیجه سکولار دموکراسی در جان خود نمی‌تواند و نباید بنیادگرا باشد؛ خشونت بورزد؛ به سرکوب، سانسور و سکوت میدان دهد؛ با رفتارها و تاکتیک‌های رفرمیستی مخالف باشد و چشم‌هایش را بر واقعیت‌های جاری و رنگ رنگ اجتماع بریند و یک بار برای همیشه تصمیم بگیرد. سکولار دموکراسی که من می‌شناسم آماجی است حد فاصل انقلاب و آزادی که می‌تواند و می‌خواهد به آمیزش اجتماعی ناتمام در ایران، که نام دیگر همه دردهای ماست، پایان دهد.

تاجایی که به سکولار دموکراسی و جنبش سبز مربوط است، نهانی‌ترین و نهایی‌ترین انتقادی که می‌توان بر بنیادگرایی وارد ساخت چهره معصومانهای از اضطراب مزمن راست و ناراست و درست و نادرست است که در دستان خونی و خالی این پندار پوشالی پنهان است. بنیادگرایی همیشه چهره‌های از برادر بزرگتر را پشت ماسک خود دارد و همیشه اگر گفت و گو به دلایلی (خارج از کنترل بنیادگراها) ادامه پیدا کند، در جایی این چهره، چهره می‌شود. برادر بزرگتر در نقش مضحک دانای کل، هم با دموکراسی مخالف است و هم از سکولاریسم بیزار؛ در نتیجه رنگین کمان انسان‌ها و گفتمان‌ها برای بنیادگراها همیشه بی‌معناست.

بنیادگرایی با پیوستار جریان‌های رنگارنگ اجتماعی و پیوستاری دیدن اجتماع، فرهنگ و جامعه مشکل دارد و برای مثال وقتی از جنبش سبز گفت و گو می‌کند تلاش دارد مخالفان خود را کوچک، تحریف و انکار کند. او در برابر انبوه جمعیت، در تهران، حد فاصل انقلاب و آزادی می‌ایستد و بی‌هیچ شرمی او را و داوری او را انکار می‌کند. به نام‌ها و نامه‌ها توجه نکنید! بنیادگرایی در ایران آسیبی اندمیک و همه‌گیر است؛ حتی بسیاری از اصلاح‌طلبان و سکولار دموکرات‌های ایران نیز آلوده به هرزآب بنیادگرایی‌اند و از درک فرایند چوشان و متکثر سیاست و سیاست‌ورزی بیگانه‌اند.

عجیب نیست اگر بنیادگراها عجول و بی‌پروا هستند و حوصله کافی برای گفت و گو و حل و فصل مسایل را ندارند. بنیادگراها همیشه به فرایند **بقیه در صفحه ۳۵**

متن گفتار در کنگره سکولار دموکرات‌های ایران

من اصلاحات را با تن دادن به ذلت برای عبور از غربال تنگ نهاد سترون شورای نگهبان قانون اساسی یکی نمی‌گیرم و اصلاح‌طلبان کاسب کار و معطوف به قدرت را از اصلاح‌طلبانی که خود را متعهد به حقوق بشر و استانداردهای دموکراسی می‌دانند جدا می‌کنم.

من یک سکولار دموکراتم و خوشحالم که در خدمت شما - لایه‌هایی از نمایندگان جریان تنومند سکولار دموکراسی ایران - ایستاده‌ام. من به شهادت نوشته‌هایم، سال‌هاست که سکولار دموکراتم. ادعا نمی‌کنم بهترین سکولار دموکراتم، و حتی ادعا نمی‌کنم بهتر از همه سکولاریسم و دموکراسی را می‌شناسم ولی افتخار می‌کنم که حتی در زندان‌های تاریک ولایت فقیه و در سرداب‌های مخوف سربازان گم نام امام زمان هم از دموکراسی و سکولاریسم دفاع کرده‌ام.

من جنبش سبز را در هیاهوی سبزی که داشت در «تهران حد فاصل انقلاب و آزادی» یافتم؛ جنبشی مدنی و مدرن، خودجوش و مسالمت‌جو، حق‌محور و رنگارنگ. آنچه در تهران حد فاصل انقلاب تا آزادی رخ داد، واکنش مدرن‌ترین جریان‌های شهری به تفسیر روستایی حاکم از آزادی و برابری است. این وضعیت تناقض‌آمیز، نتیجه ترکیب تناقض‌آمیز جمهوری اسلامی است که از انقلاب بهمن ۵۷ بیرون جست. «زایمانی زودرس» که اگر چه با شعارهای کم و بیش مدرن استقلال، آزادی و جمهوریت به قدرت رسید، اما در پیوند با پسوند «اسلامی» خود، به آسانی و به زودی، به خصلت‌های پیشامدرن خود بازگشت و با قلع و قمع آزادی، برابری و دموکراسی بر همه ابهام‌ها در مورد کارکرد ادیان در جهان مدرن، نقطه پایان گذاشت. از این منظر، تهران حد فاصل انقلاب تا آزادی همچنین نماد آخرین تکاپوی اسلام‌گراهای مدرن در پیوند دین، دموکراسی و حقوق بشر نیز می‌تواند باشد که ناکام ماند.

مجموعه نظرات، اقدامات، نهادها و مناسباتی که در سه دهه گذشته به ضرب زور و زور بر سرنوشت ایرانیان حاکم شده است، به اندازه‌ای ویرانگر بوده است که هیچ عنوانی جز انحطاط نمی‌تواند ترجمان این حجم ویرانی و عریانی فرهنگ و اجتماع ما باشد. تهران، حد فاصل انقلاب تا آزادی، به هر معنا، بازخورد این ویرانی جانسوز و عریانی شرم‌آور است.

تهران حد فاصل انقلاب و آزادی، تصویر آینده ما نیز هست که می‌تواند سکولار دموکراسی باشد. چه، تمام اشکال زندگی در لحظه تولد و استقرارشان کم و بیش با زندگی جفت و جور هستند، اما همچنان که زندگی به تحول و تکامل خود ادامه می‌دهد، آن‌ها به سمت تغییرناپذیر شدن و دور شدن از زندگی میل می‌کنند و در واقع خصم آن می‌شوند. تهران، حد فاصل انقلاب تا آزادی، نشان داد که تحکیم حقوق شهروندی بیش از هر امری نیازمند نهادینه شدن مناسبات و بنیادهایی است که امکان تغییرات مسالمت‌آمیز در جهت رسمیت بخشیدن به اشکال مختلف زندگی را فراهم آورد. به عبارتی هر تغییری در ساختار سیاسی، در غیبت «حق تغییر مسالمت‌آمیز در ساختار سیاسی»، درآمدن از زندانی به



دکتر اکبر کرمی

پایان جمهوری اسلامی آغاز سکولاریسم نیست

روشنی. بنا بر این، هرگونه سخن گفتن درباره دین و دین‌داری در ایران باید با احتیاط همراه باشد. از سوی دیگر، سکولاریسم مفهومی سیال، پویا و پوشیده است. اگر تعریف سکولاریسم تنها جدایی دین از دولت باشد، در تاریخ اسلام «خلافت»، به ویژه از عهد عباسیان به این سو، نهادی سکولار بوده، چون طبقه علما جدا از آن قرار داشته است. همین امروز نیز بطور رسمی نهاد حوزه علمیه جدا از نهاد دولت است.

سکولاریسم آیا تنها روحانیت‌زدایی از حکومت است؟ واقعیت آن است که ایدئولوژی اسلامی در سده بیستم بیشتر به دست دکترها و مهندس‌ها پرورده و ساخته شد تا روحانیان. در انتخابات ریاست جمهوری اخیر از میان هفت نامزد تنها فرد روحانی به ریاست جمهوری برگزیده شد.

آیا روحانیت‌زدایی از حکومت لزوماً با معیارهای دموکراتیک سازگار است؟ یعنی در حکومتی دموکراتیک می‌توان یک روحانی را صرفاً به دلیل روحانی بودن از رقابت سیاسی منع کرد؟ آیا سکولار صفت حکومت است یا سیاست؟ آیا سیاست سکولار بدون داشتن نظام حقوقی سکولار ممکن است؟ سکولار کردن نظام حقوقی ایران آیا یک‌شبه صورت می‌گیرد؟ اساساً سکولاریسم نظام حقوقی به چه معناست؟ آیا سکولار کردن سیاست در شرایط دینی بودن جامعه به آسانی شدنی است؟

نه تنها پرسش‌ها درباره مذهب و سکولاریسم در ایران پاسخ‌های روشنی ندارند که روحانیت نیز پدیده‌ای ناشناخته است. حضور همه‌جایی و همیشگی روحانیت در قلمرو عمومی و بدنه سیاسی و اداری کشور، به توانایی ما برای شناخت علمی آن نیچجامیده است.

سکولاریسم به معنای راندن دین به خانه یا قلمرو خصوصی هم نیست. دین پدیده‌ای اجتماعی است و با معنویت‌گرایی شخصی متفاوت است. دین بدون متن‌ها، نهادها، آیین‌ها و تاریخ‌اش که همه پدیده‌هایی اجتماعی‌اند، معنا ندارد. پیش از جمهوری اسلامی، دین امری خصوصی نبود، پس از آن هم نخواهد بود.

روحانیت نه تنها کهن‌ترین نهاد اجتماعی در ایران که امروزه نیرومندترین نهاد است. **بقیه در صفحه ۳۳**

خلاصه و فشرده
گفتار در کنگره
سکولار دموکرات‌های
ایران



مهدی خجی

سی و پنج سال
حکومت مذهبی در
ایران همراه با تبلیغات
گسترده دینی بوده
است. با این همه،

این تبلیغات لزوماً به شناخت بهتر جامعه دینی یا پدیده دینی نیچجامیده است. درست است که واکنش‌های عاطفی تند علیه دین یا حکومت دینی برانگیخته شده، اما همین واکنش‌های عاطفی می‌تواند به شکل‌گیری جریان‌هایی غیردموکراتیک و نامداراگر بینجامد و مصائبی را که جمهوری اسلامی آفریده به شکل دیگری به بار آورد.

در ایران، پژوهش دانشگاهی دین با مشکلات ایدئولوژیک روبروست. تصویر اعتمادپذیری از جامعه دینی، تنوع جلوه‌ها و جهت‌گیری‌های آن نداریم. پژوهش‌های میدانی درباره دین و دین‌داری در مناطق مختلف کشور صورت نمی‌گیرد. به‌رغم تبلیغات هر روزه رسانه‌های رسمی، شکل دین‌داری منحصر در الگوی رسمی تحمیلی جمهوری اسلامی نیست. اشکال گوناگون دین‌داری در جامعه شیعی دوازده‌امامی وجود دارد که حاصل بستر تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی متفاوت است.

مرجعیت دینی به مراجع تقلید محدود نمی‌شود. گروه‌های مرجع بسیاری در جامعه ایران هستند که سرشتی مذهبی دارند و لزوماً آیت‌الله یا روحانی نیستند؛ مانند بسیاری از بازاری‌ها یا مداحان.

بخش مهمی از جامعه ایران فاقد فرهنگ نوشتاری ریشه‌دار است. نه تنها طبق آمارهای رسمی یازده میلیون از شهروندان ایرانی سواد خواندن و نوشتن ندارند که میانگین زمان مطالعه در ایران بسیار پایین است. فرهنگ شفاهی بیشتر به نخبه مذهبی و گروه‌های مرجع سنتی روی می‌آورد تا نخبگان روشنفکر و سنت‌ستیز.

ما درباره رفتارها و رویکردهای دین‌داری در جامعه ایران نه آمارهای درستی داریم نه داده‌های

فرهنگ و هنر

در نخستین نشست آن عباس معروفی و منیرو روانی پور قصه خوانی کردند

شاخه واشنگتن ((کانون فرهنگی گردون)) آغاز بکار کرد



عباس معروفی و منیرو روانی پور در جلسه افتتاحیه شاخه واشنگتن «کانون فرهنگی گردون»

آشنایی با یک نویسنده جوان، مژگان قاضی راد، و یک شاعر جوان، هانیه بختیار، از بخش‌های دیگر این نشست بود که با اقبالی فوق‌العاده روبرو شد. در بخش دیگری از این برنامه فیلم مستند کوتاهی تحت عنوان «این سو و آن سوی متن»، ساخته احمد باطبی، به نمایش درآمد که روایتی بود از چگونگی کارگاه داستان‌نویسی عباس معروفی در واشنگتن که چند ماه پیش برگزار شد. فروش کتاب و پخش فرم‌های تقاضای عضویت در «کانون فرهنگی گردون» از دیگر بخش‌های برنامه مذکور بود. تشکیل دهندگان شاخه واشنگتن «کانون فرهنگی گردون» می‌گویند قصد دارند با ایجاد محفلی به دور از گرایش‌های سیاسی، فکری، اعتقادی و قومی در واشنگتن به برگزاری مراسم فرهنگی و هنری با حضور ادبا و هنرمندان صاحب نام و معرفی چهره‌های جدید اقدام کرده و فرصتی برای آموزش در زمینه‌های فرهنگی و هنری به زبان فارسی ایجاد کنند. آن‌ها ابراز امیدواری می‌کنند که چنین حرکت‌هایی به نزدیکی و همدلی بیشتر فارسی‌زبانان منطقه بیانجامد.



مژگان قاضی راد



هانیه بختیار

عکس‌ها از: احمد باطبی

غروب روز جمعه گذشته، یازدهم مرداد برابر با دوم آگوست، نخستین نشست شاخه واشنگتن «کانون فرهنگی گردون» که اخیراً به پیشنهاد عباس معروفی نویسنده سرشناس و با همکاری جمعی از جوانان ایرانی علاقه‌مند به فرهنگ و ادبیات فارسی راه‌اندازی شده برگزار شد. در این نشست که از ساعت شش بعد از ظهر در یکی از سالن‌های دانشگاه جورج واشنگتن، در شهر واشنگتن، آغاز شد، عباس معروفی و نخستین مهمان ویژه «کانون فرهنگی گردون» منیرو روانی پور، یکی دیگر از نویسندگان سرشناس ایرانی، حضور داشتند و با استقبال گرم حدود یکصد تنی که در نشست شرکت کرده بودند روبرو شدند. در نخستین جلسه «کانون فرهنگی گردون» در واشنگتن، عباس معروفی یکی از داستان‌های کوتاه خودش و منیرو روانی پور بخش‌هایی از رمان تازه خود با عنوان «نعره مستانه» را برای حاضران روخوانی کردند.

متن کامل برخی از پیام‌هایی که برای کنگره ...

ملت و مملکت خود می‌اندیشند، باید هر چه بیشتر برای تقویت بنیه خویش بکوشند و خود را به وزنه‌ای در این رویدادهای تاریخی تبدیل سازند. این وزنه، در پراکندگی ساخته نخواهد شد. هنگامی که خود گرد هم آمدید، دست همیاری و همکاری به سوی همه آن‌هایی دراز کنید که چون شما برای جایگزینی رژیم دینی ایران با یک رژیم سکولار و مبتنی بر مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر گرد آمده‌اند. دموکرات‌ها به هر نظام سیاسی که باور داشته باشند و چه چپ باشند و چه راست، چه مذهبی و غیرمذهبی، باید هنگامی که از سوی یک دشمن مشترک حذف و سرکوب می‌شوند، پشتیبان یکدیگر باشند. من به عنوان یک انسان، یک ایرانی، یک زن، یک روزنامه‌نگار که سال‌هاست برای به دست آوردن حقوق انسانی، ملی، جنسیتی و حرفه‌ای خود، و در یک کلام، برای حقوق سیاسی و صنفی، و در نتیجه برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر، قلم می‌زنم، از شما نیز، مانند مبتکران و موسسان دیگر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، انتظار دارم از هر حرکت دموکراسی‌خواهانه، در ایران و خارج کشور، پشتیبانی کنید، و در هیچ گروهی، که اهدافی، مشابه اهداف شما را مطرح می‌کند نقش «رقیب» نبینید!

جریان‌های گوناگون سکولار و دموکراسی‌خواه، ممکن است در ایران فردا به رقابت با یکدیگر در کارزار سیاسی بپردازند، اما، امروز، آن‌ها نه تنها رقیب یکدیگر نیستند بلکه باید بیش از پیش همراه و متحد یکدیگر علیه آن دشمنی فعالیت‌های خود را هماهنگ سازند که در واقع علت وجودی همه این گردهمایی‌ها، کنگره‌ها، شوراها، منشورها و پیمان‌هاست: رژیم مذهبی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی در ایران!

برای تغییرات دموکراتیک در ایران، اتحاد و ائتلاف همه نیروهای سکولار و دموکراسی‌خواه یک ضرورت ناگزیر است. شما، «نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران» یکی از آن نیروها هستید!

نابود کنندگان ایران و ایرانی، دشمنان آزادی و دموکراسی، با بیشترین امکانات، در نظام جمهوری اسلامی متشکل شده‌اند. عاجل‌ترین وظیفه شما نه تلاش برای از میدان به در کردن دیگر دموکراسی‌خواهان، بلکه برای به میدان آوردن آنان و در میدان نگاه داشتن آن‌ها علیه این دشمنان است! با تشکل و فعالیت خود و دراز کردن دست یاری به سوی دیگر نیروهای دموکراسی‌خواه، به اتحاد سکولاریسم و دموکراسی علیه حکومت دینی و استبداد در ایران یاری رسانید. زنده باد آزادی، زنده باد ایران!

پیام کاوه آهنگری از سوی حزب دمکرات کردستان

تبریک گفته و آرزوی موفقیت هر چه بیشتر کنگره را دارم

با درود و عرض خسته نباشید خدمت تمامی همکاران و دست اندرکاران نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران، پیشاپیش و صمیمانه این اقدام مهم و با ارزش را تبریک عرض کرده و آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای کنگره را دارم.



از طرف حزب دمکرات کردستان یک هیات سه نفره در این کنگره شرکت خواهند کرد. با درود دوباره و به امید دیدار

همراهان: کاوه آهنگری

پیام پروین صیاد از لوس آنجلس، کالیفرنیا

مرا هم همراه و در کنار خود بدانید

امیدوارم مراهم همراه و در کنار دوستان معتقد به سکولار دموکراسی بدانید. یکصد و هفتمین سالگرد انقلاب مشروطه را - بدون تعارض با جمهوریخواهی - پاس می‌دارم، چون سکولار دموکراسی در هر دو نظام تحقق پذیر است.



پیام هادی خرسندی از لندن، انگلستان

هادی خرسندی، طنزنویس سرشناس، نیز یک پیام ویدئویی برای «نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران» فرستاده بود که در نشست فرهنگی شنبه شب کنگره پخش شد. متأسفانه متن گفتار کوتاه هادی خرسندی که با قرائت چند رباعی طنزآمیز از خود وی همراه بود هنوز از سوی برگزارکنندگان کنگره از نوار ویدئو پیاده نشده و به همین مناسبت در این مجموعه نیز نتوانستیم از آن استفاده کنیم.



پیام مهدی قاسمی از راکویل، مریلند با انگشت نهادن بر قرحه‌ی درد، روی به جراحی برده و حذف آن را هدف گرفته‌اید



امیدوارم دوستان موفق باشند زیرا کار خطیری را پیش گرفته‌اند؛ با توجه به این واقعیت تلخ که پراستی موجودیت ایران، در زیر سلطه‌ی پاسداران جنون و جهل، در خطر است. برای متولیان این رژیم، مطلقاً مسأله‌ای بنام بود و نبود ایران مطرح نیست و این را جای جای خود آشکارا به زبان و قلم آورده‌اند.

«مهم برای ما بیت المقدس است نه ایران و استقلال ایران». توافقی اصولی من با کار شما، عمدتاً در آنجهت است که انگشت بر قرحه‌ی درد نهاده‌اید و بر سیاست بازی و «صلاح‌اندیشی‌های» جاهلانه و یا رندانه پشت کرده و روی به جراحی برده و حذف قرحه‌ی درد را هدف گرفته‌اید.

ضمناً از این نکته نیز نباید غفلت داشت که اگر روزی آزادی ایران تحقق پذیرد و این نظام جهنمی از پا بیفتد، مشکلات اقتصادی و عقب ماندگی‌های ایران از این باب، هرچند مهم است ولی دردی قابل درمان است، زیرا به همت مردم هوشیار و انبوه متخصصان ایرانی و وجود ثروت‌های بیکران طبیعی غلبه بر ویرانه‌های بازمانده از این رژیم تحقق پذیر است، آنچه دشوار است و به سادگی نمی‌توان بر آن غلبه کرد میراث شوم نافرنگ این طایفه‌ی ضد ایرانی است.

از این توجه نیز در نگذریم که رشته‌های اختاپوسی این نافرنگ تا کجاها کشیده شده و چگونه بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی ما آسیب رسانده است و می‌رساند و ملاحظه کنید که متولیان این رژیم، با توسل به چه ترفندهایی، از قبیل ایجاد پستخانهای برای امام زمان در قم و بنام «چاه جگر» و یا خلق هزاران امامزاده‌ی بی‌تبار و نیز با تاسیس بیش از ۵۰ هزار مدرسه‌ی موسوم به قرآنی که وظیفه‌ای جز منجمد ساختن مغز اطفال ما بعهده ندارند، همه و همه آسیب‌ها و مرض‌هایی هستند که دفع شر آن‌ها چنانچه حیات و هستی این رژیم ادامه یابد به مراحل ناممکن خواهد رسید.

بدین جهت است که من بنام یکی از احاد ملت ستم بار ایران و به سهم ناچیز خود هر قدمی را که، صد البته، در راه‌های منطقی و بواقع درمانی و به قصد رفع این بلا برداشته شود، قدر می‌شناسم و بدین حساب موفقیت شما را صمیمانه آرزو می‌کنم. مهدی قاسمی

پیام الاهی بقراط از لندن، انگلستان در هیچ گروهی که اهدافی مشابه اهداف شما را مطرح می‌کند نقش ((رقیب)) نبینید!



مبتکران و موسسان محترم نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران، مهمانان گرامی، خان‌ها و آقایان، برگزاری این کنگره را، که با «پیمان نامه عصر نو» موجودیت و فعالیت خود را اعلام و آغاز کرده است، به شما شادباش می‌گویم، و امیدوارم این گرد هم آمدن، در کنار همه فعالیت‌های مبتکران و موسسان محترم نخستین کنگره سکولار دموکرات‌های ایران، بردن آن را دارند، سرانجام، به یک ائتلاف و اتحاد فراگیر ملی علیه حکومت دینی و برای دموکراسی در ایران بیانجامد.

هدف همه دموکراسی‌خواهان چیزی جز جایگزینی رژیم کنونی با یک نظام سکولار و مبتنی بر اصول دموکراسی نیست و این همه از دست هیچ جمع و گروهی به تنهایی بر نمی‌آید. درست همان‌گونه که دستجات جمهوری اسلامی در حفظ رژیم با یکدیگر هم‌پیمان و متحد هستند، به همان شکل باید مخالفان دموکرات و سکولار رژیم نیز همه توان و نیروی پراکنده خویش را، بطور متحد و یک صدا، علیه آن سازماندهی کنند.

مسأله بر سر این نیست که آیا این نیرو توان سرنگونی و براندازی و انحلال جمهوری اسلامی را دارد یا نه بلکه بر سر آن است که بنا به تجربه، هنگامی که این رژیم، اتفاقاً بر اساس سیاست‌ها و عملکرد خود به سوی فروپاشی رانده می‌شود، آیا طرفداران دموکراسی که جدایی دین و دولت شرط نخست ادعای دموکرات بودن آن‌هاست، توان آن را خواهند داشت در موازنه جدیدی که نیروهای اجتماعی را به تحرک و می‌دارد، نقش تعیین کننده بر عهده بگیرند یا نه!

به ترکیه و مصر نگاه کنید! جنبش دانشجویی و جنبش زنان و رویدادهای پس از ۲۲ خرداد ۸۸ را به یاد آورید! به تزلزل سیاسی و اقتصادی رژیم و درگیری‌های درونی آن توجه کنید! همه این‌ها نشانه تحرکی است که بنا به دلایل مختلف، از جمله تناقض تاریخی سنت و مذهب با دستاوردهای مدرن، کشورهای مسلمان نشین را فرا گرفته است. کشورهای قدرتمند به دنبال سود و سیاست خود هستند. رژیم‌های واپسمانده منطقه برای حفظ خود به هر ترفندی دست می‌زنند. این نیروهای پیشرو، روشنفکر و مدرن جوامع خاورمیانه هستند که اگر به سعادت